

پیشینه، جایگاه و برنامه‌های پژوهش‌های تورفانی*

پروفسور ورنر زوندرمان (آکادمی علوم برلن-براندنبورگ)،

ترجمه آرمان بختیاری (دانشگاه مازندران)

رهاورد کاوشگران تورفانی

آلبرت گرون ودل^۱ در ۱۲ اوت سال ۱۹۵۲ نخستین سفر تورفان پژوهی خود را آغاز کرد. تورفان، واحه‌ای در استان سین‌کیانگ چین، در پایان قرن نوزدهم میلادی، نظر دانشمندان اروپایی را به خود جلب کرده بود. جهان‌گردان روسی چون ریگل^۲ (۱۸۷۹) و کلمنتس^۳ (۱۸۹۸)، هم‌چنین جغرافی‌دان سوئدی، سین هیدین^۴ (۱۸۹۳-۱۹۰۰)، از آثاری مدفون در شن و نگاره‌هایی کنده‌شده بر دیواره‌های بادزفتی غارها و دست‌نوشته‌هایی که هرازگاه سر از ریگزار بیابان بیرون می‌آوردند سخن می‌گفتند و ره‌آوردشان شاهد صادق سخنانشان بود. در دیگر واحه‌ها، چون خوچو و قره‌شهر، بیشتر از جاهای دیگر، یافته‌های باستانی به دست آمده بود. این مکان‌های باستانی هم‌چون ایستگاه‌هایی به دنبال یکدیگر، در امتداد راه باستانی ابریشم، که زمانی خاور دور را به هند و باخترزمین پیوند می‌داد، جای گرفته‌اند.^۵ (نگاره ۱)

* SUNDERMANN, Werner, "Geschichte, Stand und Aufgaben der Turfanforschung", in *Akademie-Journal* (Magazin der Union der deutschen Akademien der Wissenschaften), Themen-schwerpunkt Zentralasien, 2/2000.

1) Albert GRÜNWEDEL

2) J. A. REEGL

3) D. A. KLEMENTS

4) Sven HEDIN

5) S. L. TICHVINSKIJ, B. A. LIVINSKIJ, *vostočnyj Turkestan v drevnostii rannem srednevekovje. Očerk istorii*, Moskau 1988, pp. 17-30; H. G. FRANZ, *kunst und kultur der seidenstrasse*, Graz 1986, pp. 43-53.

گنج خفته در ریگزار چنان شکوهمند بود که دانشمندان روس، که سلطهٔ امپراطوری تزاری بر شمال چین بر ایشان مزیت بزرگی به شمار می‌آمد، دوستان آلمانی خود را به همکاری فراخواندند و همین امر، سرانجام، به تشکیل چهار گروه کاوشگری آلمانی-پروسی انجامید. واپسین آنها به سال ۱۹۱۴، درست چند ماه پیش از آغاز نخستین جنگ جهانی، به کار خود پایان داد.^۶

گروه‌های کاوشگر توانسته بودند چشم به‌راهان را از نگرانی درآورند. از میان پژوهشگران اروپایی و آسیایی که برای دستیابی به گنج باستانی تورفان سر از پا نمی‌شناختند، آلمانی‌ها از همه کامیاب‌تر بودند. دستاورد آنان بسی از همکاران و هم‌وردان روسی‌شان بیشتر بود. از همین روست که اینک گنجینهٔ دست‌نوشته‌ها و یادمان‌های هنری واحهٔ تورفان در برلن، کامل‌ترین و غنی‌ترین مجموعه از نوع خود در جهان است. دیگر مجموعه‌های مهم، چون مجموعهٔ موزه و کتابخانهٔ بریتانیا^۷ (بریتیش میوزیوم) لندن، کتابخانهٔ ملی^۸ و موزهٔ گیمه^۹ در پاریس، ارمیتاژ^{۱۰} و آکادمی علوم سن پترزبورگ یا دانشگاه ریوکو^{۱۱} در کیوتو^{۱۲}، سرشار از یافته‌هایی هستند از دون هوانگ^{۱۳} و کناره‌های جنوبی راه ابریشم.

گنجینه‌ای هنری که به برلن آورده شده هم‌اینک در موزهٔ هنری هند^{۱۴}، موقوفهٔ قلمرو فرهنگی پروس نگهداری می‌شود. دست‌نوشته‌ها نیز به آکادمی علوم^{۱۵} برلین سپرده شده است که در نگهداری و ارائهٔ آنها، کتابخانهٔ ملی^{۱۶} برلن، موقوفهٔ قلمرو فرهنگی پروس، نیز همکاری دارد. این سه نهاد، با برپایی نمایشگاه و همایش علمی، صدمین سالروز آغاز تورفان پژوهی را در سال ۲۰۰۲ جشن خواهند گرفت.

گروه‌های تورفان پژوهی آلمان، به نوبت، به سرپرستی مدیر موزهٔ مردم‌شناسی^{۱۷} برلین، آلبرت گرون‌ویدل و دستیارش، آلبرت فون لوکوک^{۱۸} (نگارهٔ ۲) رهسپار بیابان شدند. هر دو دانشمند دل‌بستگی فراوانی به یادمان‌های هنری داشتند و بر آن بودند که

6) M. Boyce, *A catalogue of the Iranian Manuscripts in Manichean Script in the German Turfan Collection*, Berlin 1960, pp. x-xx.

7) British Museum and Library

8) Bibliothé que Nationale

9) Musée Guimer

10) Ermitage

11) Ryukoku

12) Kyoto

13) Dunhuang

14) Museum für Indische Kunst

15) Berliner Akademie der Wissenschaften

16) Staatsbibliothek

17) Museum für Völkerkunde

18) Albert von Le Coq

نشانه‌های تأثیر هنر هندی الگوگرفته از یونان، معروف به هنر قندهار را، که گرون ویدل در معرفی و توصیف آن کوشیده بود، در خاور دور بیابند یا، به تعبیر لوکوک، «به دنبال رد پای یونان» به سوی خاور بشتابند. پژوهشگران ژاپنی، که در همان سال ۱۹۰۲ شاهزاده اوتانی^{۱۹} آنان را، برای نخستین بار، به تورفان فرستاده بود، مأمور بودند که، برای یافتن خاستگاه آیین بودایی، به آسیای میانه رهسپار شوند.

در این جا باید گفت که کار گروه‌های تورفان پژوهی آلمانی بی دلیل آماج انتقاد نشده است. سرپرست‌ها و دستیاران این گروه‌ها به هیچ رو باستان‌شناسانی حرفه‌ای نبوده‌اند. از همین روست که اقدام لوکوک در کندن زیباترین بخش‌های دیوار نگاره‌ها را می‌توان کاری نابخردانه دانست. با این همه، نباید از یاد برد که این گروه‌ها، به ویژه از زمانی که قیصر خود در پیش‌برد کار سهیم شد، می‌بایست به همه توقعات پاسخ می‌دادند و نیل به کامیابی به آنان آزادی عمل می‌داد. (نگاره ۳)

این کامیابی تنها شامل دست‌یابی به بهره‌ای هنگفت از اشیاء هنری، دیوار نگاره‌ها، مینیاتورها، تندیس‌ها، جام‌ها، درفش‌ها و مانند آنها نبود^{۲۰} (نگاره ۴)، بلکه آنان توانستند شمار فراوانی (می‌توان گفت بیش از ۴۰'۰۰۰) دست‌نوشته پراکنده از بایگانی تاریخ بیرون آورند و این جمله دستاورد آلمانی‌ها بود.

یافته‌های تورفانی، گواهی بر گوناگونی فرهنگی راه ابریشم

دست‌نوشته‌های بازیافته، بسی بیشتر از دیگر یافته‌ها، نشانگر گوناگونی زبان‌ها، خط‌ها و دین‌هایی است که، در نخستین قرن‌های میلادی، در راه ابریشم، با یکدیگر آشنا می‌شدند و این شاهراه را، برای بیش از هزار سال، به دیدارگاه فرهنگ‌ها تبدیل کرده بودند. در تازه‌ترین گزارش چکیده‌ای از دستاوردهای لوکوک^{۲۱} باید گفت که دست‌نوشته‌های پراکنده تورفان به هفده زبان، به شرح زیر، نوشته شده است: سُرِیانی؛

19) Otani

۲۰) ه. هرتل و م. یلدیز ملاحظات خوبی در این باره داده‌اند:

Along the Ancient silk Routes. central Asian Art from the west Berlin state Museums, New York 1982.

21) Choros Zaturpanskij [i.e. Albert von Le coq], «Reisewege und Ergebnisse der deutschen Turfan-Expeditionen», in: *orientalisches Archiv* 3, 1913, p. 126

زبان‌های ایرانی فارسی میانه و نو، پارتی، سغدی، بلخی، سکایی تُمَشُق؛ ترکی باستان یا اویغوری (باستان)؛ زبان‌های هندی سنسکریت و پالی؛ دو گونه از زبان هندواروپایی تُخاری؛ زبان‌های آسیای خاوری مغولی، تبتی، تنگوتی و چینی. حتی بر یکی از قطعه‌های سغدی، سطری به یونانی نوشته شده است. این زبان‌ها به سیزده گروه خطی نگارش یافته‌اند. یونانی و خط هم‌ریشه با آن؛ هفتالی؛ گونه‌های نسطوری خط سُرِیانی؛ دو گونه از خط پهلوی؛ خط مانوی؛ خط سغدی که خط‌های مغولی و اویغوری از آن ریشه می‌گیرد؛ خط‌های هندی براهمی و خروشتی؛ خط تبتی بوداییان و خط‌های چینی و تنگوتی هم‌ریشه با آن.

بیشتر دست‌نوشته‌ها دارای درون‌مایه دینی است و از پیروان دین‌های بودایی، نسطوری یا دین فراگیر و فراموش‌شده مانوی بر جای مانده است. جای شگفتی هم نیست که آنان نوشته‌های مقدس خود را در یک جا انبار و رها نکرده باشند بلکه چگونگی یافتن آنها نشان از مراقبت پیروان و جدایشان از یکدیگر است. با این همه، سندهای تجاری، پیمان‌نامه‌ها، نامه‌ها، نوشته‌های پزشکی، واژه‌نامه‌ها^{۲۲} و طلسم نیز در این میان به چشم می‌خورد. (نگاره ۵)

گوناگونی زبانی، خطی و محتوایی دست‌نوشته‌های تورفانی بی‌نظیر و پُرشماربودن آنها برای دانشمندان شوق‌برانگیز است؛ گزافه نیست اگر گفته شود که ارزش زبان‌شناختی نوشته‌های تورفانی اهمیت نوشته‌های به دست آمده از بحرالْمیت را کم‌رنگ کرده است. یگانه عیب دست‌نوشته‌های تورفانی تک‌برگ‌بودن یا پاره‌بودن آنهاست.

در میان این یافته‌ها، هر چند دست‌نوشته‌های چندبرگی یا طومارهای درازتر از یک متر هم به ندرت دیده شده، هیچ اثر کاملی وجود ندارد و این ویژگی نوشته‌های تورفانی خلاف آن چیزی است که در یافته‌های دون‌هوانگ دیده می‌شود. پُرشماربودن دست‌نوشته‌های تورفانی سبب شده است که، با وجود صد سال کار علمی، هنوز هم بخش بزرگی از آنها کارنشده بماند.

۲۲) در مقاله «فرهنگ‌نگاری در ایران باستان» که در «پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی» دانشگاه علامه طباطبائی (۲۱-۲۳ اسفند ۱۳۷۹) ارائه شد، به این واژه‌نامه‌ها اشاره کرده‌ام.

بررسی‌های زبان‌شناختی نوشته‌های تورفانی در دهه‌های نخستین

بررسی علمی یادمان‌های هنری به‌دست‌آمده از تورفان در محل آغاز شد و بررسی‌های زبان‌شناختی دست‌نوشته‌ها بلافاصله پس از رسیدن آنها به برلن صورت گرفت و رمزگشایی‌های مهم و روشنگر در همان دهه‌های آغازین به انجام رسید. برای نمونه، یادی می‌کنم از دست‌نوشته‌هایی که با آنها از یادمان‌های هنری آشنا شدم - همان دست‌نوشته‌هایی که وزارت فرهنگ و آموزش و پرورش، در سال ۱۹۱۴، برای بررسی به آکادمی علوم برلن عرضه داشت.

از جمع دانشمندان برجسته‌ای که با مقاله‌های خود درباره پژوهش‌های تورفانی نام‌آور شده‌اند، پیشگام‌تر و پرآوازه‌تر از همه، سرپرست موزه مردم‌شناسی (۱۸۶۴ تا ۱۹۳۰)، فریدریش ویلهلم کارل مولر^{۲۳} است، کسی که هیچ زبانی، از یونانی گرفته تا ژاپنی، برایش ناآشنا نبود و از این رو برای بررسی نوشته‌های تورفانی بهترین فرد به شمار می‌آمد.

مولر، در حدود سال ۱۹۰۴، توانست از شاهکاری علمی، با شناخت درست و رمزگشایی خط (خط مانوی که مانی برای نگارش آثارش به زبان‌های ایرانی به کار می‌گرفت) گزارشی به دست دهد^{۲۴} و چنین شد که، برای نخستین بار، گواهی زنده و گویایی از این دین فراگیر فراموش‌شده به دست توانای دانش افتاد. (نگاره ۶)

مولر توانست نوشته‌های پارسی را، بی‌آن‌که بداند به چه زبانی است، نیز بخواند و دریابد. وی کلید درک یکی از زبان‌های مانوی را پیدا کرد که خود آن را گویشی از پهلوی دانسته بود و، در عین حال، همکارش، کارل آندرئاس^{۲۵} آن را سغدی، زبان فرهنگی مشترک^{۲۶} آسیای میانه خوانده بود. مولر خود جریان رمزگشایی متن سغدی به خط نستعلیق را تشریح کرده است^{۲۷}. آنچه او گفته است شگفت‌انگیزتر از شرح رمزگشایی هیروگلیف به

23) Friedrich Wilhelm Karl Müller

24) F. W. K. Müller, «Handschriftenreste in Estrangelo-Schrift aus Turfan, Chinesisch-Turkistan», in: *sitzungsberichte der preußischen Akademie der Wissenschaften 1904*, pp. 348-352.

25) Karel ANDREAS 26) *lingua franca*

27) F. W. K. Müller, «Neutestamentliche Bruchstücke in soghdischer sprache», in: *sitzungsberichte der preußischen Akademie der Wissenschaften*, p. 261.

همّت شامپولین^{۲۸} یا خط میخی فارسی باستان به همت گروتفند^{۲۹} نیست^{۳۰}. مولر، در میان دانشمندان زمان خود، یگانه کسی بود که توانست نوشته‌های بودایی به زبان‌های آسیای میانه را با اصل چینی آنها مقایسه کند. او این کار را با کامیابی بزرگی انجام داد و راه بررسی تاریخ ادبیات بودایی آسیای میانه را هموار کرد.

رمزگشایی مولر از یکی از زبان‌های خاموش هندواروپایی از شاخهٔ کتوم^{۳۱} به نام تخاری بی‌نظیر است^{۳۲}. اگر در این جا از دیگر بزرگان زمان او، که در کنار یا پس از وی کوشیدند، یادی نکنیم، تصویر پیشینهٔ تورفان پژوهی ناقص خواهد ماند. از هندشناسان بزرگی چون هاینریش لودرس^{۳۳} و ارنست والدشمیت^{۳۴}، ترک‌شناسانی چون ویلی بنگ^{۳۵} و آنه ماری فون گاباین^{۳۶} و ایران‌شناسانی چون والتر برونوهنینگ^{۳۷} و مری بویس^{۳۸}، که هر یک، در زمینهٔ کاری خود، دست‌نوشته‌ها را ویرایش و بررسی و رمزگشایی کرده‌اند. اگر، پس از کوشش‌های این بزرگان، گونه‌ای ناهماهنگی در تورفان پژوهی روی داد تنها به این دلیل نبوده است که بررسی منظم نوشته‌های هندی، ترکی، ایرانی و دیگر دست‌نوشته‌ها نیاز به کار فنی دارد بلکه هم‌چنین به این دلیل که کار بر روی این دست‌نوشته‌ها و دست‌نوشته‌های دیگری چون چینی و سریانی توجه به هدف و پیروی از روش‌های درخور خویش را می‌طلبد. برای مثال نوشته‌های سریانی و چینی بیشتر قطعه‌های مسیحی و بودایی آثاری هستند که در مجموعهٔ دست‌نوشته‌های خاور و باخترزمین به گستردگی یافت می‌شوند یا مراحل ویرایش و بررسی را می‌گذرانند. بنابراین، وظیفهٔ پژوهشگر آن است که نوشته‌های تورفانی را با آثاری که به آن تعلق دارند بسنجد، اختلافات را بیابد و کلیت آن را فهرست کند. مجموعهٔ دست‌نوشته‌های هندی را نیز می‌توان تا اندازه‌ای با دست‌نوشته‌های سریانی و چینی مقایسه کرد و، در عمل نیز،

28) Champollion 29) GROTEFEND

۳۰) برای شرح رمزگشایی هیروگلیف و فارسی باستان، ← فریدریش، یوهانس، زبان‌های خاموش، ترجمهٔ یدالله ثمره و بدرالزمان قریب، پژوهشگاه، تهران ۱۳۶۵، ص ۲۰-۳۰ و ۵۳-۶۲. مترجم.

۳۱) Kentum، زبان‌های هندواروپایی را از دید چگونگی تلفظ واژهٔ «صد» به دو دسته تقسیم کرده‌اند: شاخه‌ای که k ی هندواروپایی را نگه داشته؛ شاخه‌ای که آن را به s تبدیل کرده است. - مترجم

32) F. W. K. Müller, «Beitrag zu genauen Bestimmung der unbekanntenen Sprachen Mittelasiens», in: *SPAW*, phil-hist. kl. 1907, pp. 958-960. 33) Heinrich Lüders 34) Ernest Waldschmidt

35) Willi Bang 36) Annemarie von Gabain

37) Walter Bruno Henning 38) Mary Boyce

بخش بزرگی از کار بر روی نوشته‌های هندی جنبه آمادگی برای فهرست‌نویسی آنها را داشته است که هم‌اینک نیز پی‌گیرانه انجام می‌شود. اما، شرایط ویژه‌ای، چون کهن‌تر بودن نوشته‌های آسیای میانه از دیگر دست‌نوشته‌های هندی و امکان تکمیل دست‌نوشته‌های محفوظ در هند با استفاده از آنها، به نوشته‌های هندی آسیای میانه ارزش والایی می‌بخشد و ویرایش و بررسی‌های دیگری را خواستار است.^{۳۹}

کسی که سرگرم کار بر روی نوشته‌های ترکی است بیشتر با آن دسته از متن‌های بودایی سرو کار دارد که بعضاً از چینی ترجمه شده‌اند. این متن‌ها نیز به بررسی تطبیقی نیاز دارد و حاصل آن تحریری از آثار شناخته شده است به زبانی نو. بنابراین، ویرایش منظم آنها پیکره ادبیات بودایی و دانش ترکی باستان (اویغوری باستان) را افزایش خواهد داد.

برای دست‌نوشته‌های فراوان سغدی بودایی و مسیحی نیز چنین است. با این همه شمار بسیاری از دست‌نوشته‌های تورفانی دست‌نوشته‌های ایرانی مربوط به دین مانی است و گواهی زنده بر دینی از یاد رفته. از این رو، نمی‌توان آن را با هیچ اثر دیگری سنجید. آنها را باید تنها با خودشان سنجید و شناخت و این خطر اشتباه را افزایش می‌دهد اما ارزش شناختی نوشته‌ها را بالا می‌برد تا جایی که هر نوشته نوانتشار با نخستین نوشته‌های انتشار یافته از قطعه ناشناخته‌ای از متون مانوی هم‌ارزش است. در این مورد، نحوه ویرایش آن هم درست مطابق موضوع است و از آن‌جایی که اشاره‌ای به نسخه‌های مادر یا هم‌تراز ندارد تا اندازه بسیار گسترده‌ای برای بررسی‌های زبانی و محتوایی و ریشه‌شناختی و شناخت آموزه‌های آن سودمند است و به صورت توضیحات مشروح داده خواهد شد.

در دهه‌های اول تا پنجم تورفان پژوهی، بررسی و شناخت زبانی و محتوایی نوشته‌ها حایز اهمیت خاصی بود که حاصل آن برای خاورشناسی و دین‌شناسی بسیار با ارزش است. آثاری انقلابی در زمینه ایران‌شناسی چون گویش‌شناسی متون تورفانی به زبان‌های ایرانی غربی (۱۹۲۱) نوشته پل تدسکو^{۴۰}، که در آن تفاوت‌های آوایی فارسی میانه و پارتی

39) E. waldschmidt, W. clawiter, L. holzmann [L. sander], *Sanskrihandchriften aus den Turfan-funden* 1, Wiesbaden 1965, pp. XI-XXXV

اطلاعات کتاب‌شناسی در مجموعه فهرست‌های مربوطه روزآمد خواهند شد.

40) Paul Todesco

بررسی شده است یا اثر دیگر او صرف اسم در زبان ایرانی شرقی (۱۹۲۶) که، در آن، ستاک‌های سبک و سنگین مؤثر در صرف اسم و فعل در سغدی دانسته شده است^{۴۱} یا اثر برجسته ایلیا گرشویچ^{۴۲} به نام گرامر سغدی مانوی (۱۹۵۴) بدون شناخت متون ایرانی تورفان نمی‌توانست نگاشته شود.

برنامه‌های امروز و آینده

آیا با آنچه که گذشت می‌توان گفت همه چیز انجام گرفته است؟ آیا تنها فهرست‌کردن و رونوشت‌برداری از آنچه تاکنون کمتر مورد توجه بوده کافی است؟ از حجم گسترده دست‌نوشته‌هایی که هنوز انتشار نیافته‌اند خلاف این برمی‌آید. هنگامی که، به سال ۱۹۹۶، نخستین آمارگیری وضعیت بررسی دست‌نوشته‌های ایرانی را انجام دادم، آماری که برای قطعه‌های طولانی‌تر (بیش از ده سطر) به دست آوردم چنین بوده است: به طور کامل انتشار یافته ۴۰ درصد؛ قسمتی انتشار یافته یا اصلاً انتشار نیافته ۶۰ درصد. برای بخش‌های دیگر مجموعه، مثلاً دست‌نوشته‌های ترکی، آماری بهتر از این به دست نخواهد آمد. آنچه کمتر به چشم می‌آید این معنی است که تلاش‌های دانشمندانی که بار گران کوشش‌های امروزی را می‌کشند، به گستردگی، کارهایی را میسر ساخته است که پیش‌تر تنها در شرایطی خاص و مناسب می‌توانست انجام پذیرد - کارهایی چون بازسازی آثار ادبی یا بازسازی دست‌نوشته‌ها از قطعات فراوانی که انتشار نیافته‌اند یا تنها قسمتی از آنها انتشار یافته است. یک چنین کارهایی پژوهش را بیشتر و بیشتر متوجه وضعیت کتاب‌خانه‌های صومعه‌ها و بایگانی‌های تورفان در زمانی که فرهنگ کهن واحه رو به خاموشی می‌رفت می‌سازد. بررسی دست‌نوشته‌های تورفانی روش ویژه‌ای می‌طلبد، روشی که مایلیم آن را زبان‌شناسی تورفانی بنامیم، چرا که هر آینه با روش‌های شناخته‌شده زبان‌شناختی فرق دارد^{۴۳}. پیش‌فرض‌های این روش به شرح زیر است:

(۴۱) در این باره ← قریب، بدرالزمان، «نظام فعل در زبان سغدی»، مجله زبان‌شناسی، سال دهم، شماره اول (بهار و تابستان)، ۱۳۷۲ - مترجم

42) Ilya GERSHEVICH

43) W. SUNDERMANN, «Probleme der Edition iranisch-manichäischer Texte», in: *Ägypten vorderasian Turfan. probleme der Edition und Bearbeitung altorientalischer Handschriften*, ed. H. KLENQEL, W. SUNDERMANN, Berlin 1991, pp. 106-112.

۱. روایت دست‌نوشته‌ها تا حد زیادی امانت‌دارانه است؛ چنان‌که، وقتی یک روایت در بیشتر از یک دست‌نوشته می‌آید، اختلاف چندانی به چشم نمی‌خورد.

۲. اشتباهات فاحش در دست‌نوشته‌های یکسان کم دیده می‌شود.

۳. انبوهی از متون با به‌هم‌چسباندن پاره‌ها یا سرهم‌بندی متن دست‌نوشته‌های گوناگون به دست آمده‌اند (نگاره ۷) و، به این دلایل، هدف کار زبان‌شناختی نمی‌تواند تفکیک نوشته‌های پراکنده از نظر زمانی یا محتوایی باشد بلکه، برعکس، باید همه شواهد یافت‌شده را در متنی کامل گرد آورد تا از آن، با روش‌سنجشی، متنی انتقادی به دست آید.

موقعیت این شیوه بسیار نظرگیر است و برای مانی‌شناسی در آثاری چون مجموعه سرودهای پارتی هویذگمان^{۴۴} و انگدروشنان^{۴۵} (مری بویس)، متن‌های پارتی و سغدی «اندرز منوهمد روشن^{۴۶}» و «اندرز روان^{۴۷}» (ورنر زوندرمان^{۴۸}) را همراه داشته است. در بوداشناسی، برای مثال، «یک کتاب یوگا آموزی بودایی»^{۴۹} اثر دیتیر شلینگلوف^{۵۰} یا نسخه ترکی باستان پیش‌گفته و نخستین کتاب *Altun Yaruq Sudur (Suvarnapra bhāsoṭīmasū tra)* (پ. سیمه^{۵۱}) به دست آمده است. برای متون مسیحی نیز می‌توان ویرایش (تصحیح) مجموعه «دست‌نوشته‌های مسیحی سغدی C₂» (نیکلاس سیمز ویلیامز^{۵۲}) را نام برد. آکادمی برلن به سال ۱۹۱۲ کار بر روی متن‌های تورفانی را موضوع فعالیت علمی کمیسیون‌های خاورشناسی خود ساخت. نه تنها اعضای این کمیسیون‌ها متن‌ها را ویرایش کردند و شرح دادند بلکه، برای بسیاری از دانشجویان، کار آنان در آکادمی زمینه‌ای برای کارهای موفق دانشگاهی گردید. این مطلبی است که آنه ماری فن‌گابین، بارها، با خرسندی از آن یاد کرده است.

سیادت ناسیونال سوسیالیست‌ها، جنگ جهانی دوم و دوران پس از آن، چند گاهی، تورفان‌پژوهی را در آکادمی برلن متوقف ساخت. ادامه پژوهش‌ها در جاهای دیگر

44) *Huyadagmān* 45) *Angad rōšnān*

۴۶) Sermon vom Licht-Nous، ← قریب، بدرالزمان، «سخنی درباره منوهمد روشن (بهمن روشن)»، نامۀ فرهنگستان، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۵، ص ۶-۱۶. مترجم.

47) Sermon von der Seele

48) W. SUNDERMANN

49) Ein budhistisches Yogalehrbuch

50) Dieter Schlingloff

51) P. Zieme

52) The Christian Sogdian Manuscript (N. Sims-Williams)

مدیون یاری هوشمندانه اولیای کمیسیون خاورشناسی و انستیتو خاورپژوهی، هاینریش لودرس^{۵۳}، ریچارد هارتمان^{۵۴} و هرمان گراپو^{۵۵} ست^{۵۶}. در راه‌اندازی دو پاره‌گروه تورفان-پژوهی به سال ۱۹۶۷ در آکادمی برلن، از پیشگامی گئورگ هازایس^{۵۷} نیز باید قدردانی کرد که توانست کمیسیون‌های ذی‌ربط آکادمی علوم آلمان شرقی^{۵۸} و کمیسیون ارزیابی‌کننده رایزنی علمی جمهوری فدرال آلمان^{۵۹} را متقاعد سازد^{۶۰}. هم‌اینک کارهای ویرایشی بر روی تورفان نوشته‌های ایرانی و ترکی با برنامه‌های بلندمدت در آکادمی علوم براندنبورگ (برلن^{۶۱}) و فهرست‌نویسی آنها با همین برنامه در آکادمی علوم گوتینگن^{۶۲} دنبال می‌شود.

اتحادیه آکادمی‌ها کار بر روی دست‌نوشته‌های تورفانی را، به حق، در برنامه بلندمدت این دو آکادمی قرار داده است. این که چنین تصمیمی تنها شامل دست‌نوشته‌های ترکی و ایرانی است به خوبی نمودار آن است که این دو گروه زبانی به کار بیشتری نیاز دارند. از نظر اهمیت، می‌توان نوشته‌های هندی را ذکر کرد که به همت هاینریش لودرس، در آکادمی گوتینگن، به سرپرستی ارنست والدشمیت^{۶۳} و هاینس بشرت^{۶۴}، موضوع بررسی‌هایی پیگیرانه قرار گرفته و این بررسی‌ها پیشرفت خوبی نیز داشته است. هم‌اینک در گروه‌های تورفان‌پژوهی هر دو آکادمی ده دانشمند سرگرم کارند. در آکادمی برلن (ویرایش): ورنر زوندرومان، اینگرید وارنکه^{۶۵} و پترسیمه؛ در آکادمی گوتینگن (فهرست‌نویسی): سیمونه راشمان^{۶۶} و کریستیانه رک^{۶۷}، ینس ویلکینس^{۶۸} و کلاوس ویله^{۶۹}، (واژه‌نامه موضوعی): جین ایل چونگ^{۷۰}، زیگلیند دیتز^{۷۱} و میخائل شمیت^{۷۲}. مهم‌ترین برنامه‌های آینده کار ویرایش و فهرست‌نویسی است. از نوشته‌های

- 53) Heinrich Lüders 54) Richard HARTMANN 55) Hermann GRAPOW
56) H. GRAPOW, *Die Begründung der Orientalischen Kommission von 1912. Deutsche Akademie der wissenschaften zu Berlin. vorträge und schriften Heft 40*, Berlin 1950. 57) Georg HAZAIS
58) Akademie der WissenschaftenderD.D.R
59) Wissenschaftstrates der Bundesrepublik Deutschland
60) W. H. Krauth, «Asien-und Afrikawissenschaft», in: *wissenschaft und wiedervereinigung. Disziplinen im umbruch*, ed. J. kocka, R. MAYNIZ, Berlin 1998, pp. 21-28, bes. 28-30, 63, 72-73.
61) Berlin-Brandenburgischen Akademie 62) Akademie der Wissenschaften zu Göttingen
63) Ernst WALDSCHMIDT 64) Heinz BECHERT 65) Ingrid WARNKE
66) Simone RASCHMANN 67) Christiane RECK 68) Jens WILKENS
69) Klaus WILLE 70) Jin-il CHUNG 71) Siglind DIETZ 72) Michael Schmidt

بودایی که در دست بازسازی است، برای نمونه، می‌توان مواد زیر را نام برد: متن معروف اویغوری *Vimalakīrtinirdéśasūtra, Kṣanti qīlʷuluq nom bitig* و مجموع متن بزرگ *Suvarṇaprabhāsottamasūtra*، نیز متن سغدی *Mahāparinirvāṇasūtra*. از آثار مانوی می‌توان بازیابی مجموعه سرودهای فارسی میانه و سغدی «سخن روح زنده» و «مزامیر مانی» را نام برد. یکی از برنامه‌های مهم در زمینه متون مسیحی، انتشار مجموعه دست‌نوشته‌های سغدی C3 است که قطعه‌هایی از زندگی‌نامه سراپیون سیدونیتا^{۷۳} و یوحنا دیلوما^{۷۴} را در بر دارد.

از دستاوردهای فهرست‌نویسی می‌توان فهرست همه قطعه‌های ترکی *Altun yaruk sudur*، همه متون مانوی ترکی، متن‌های ایرانی به خط سغدی و متن‌های ایرانی به خط نستوری را در آینده انتظار داشت، در حالی که فهرست‌نویسی متن‌های ایرانی رو به پایان است. یکی دیگر از کارهای بلندمدتی که گروه‌های تورفان پژوهی، با یاری گسترده انجمن پژوهش‌های آلمان^{۷۵}، آغاز کرده‌اند رایانیدن و به اینترنت فرستادن نگاره‌های رنگی همه دست‌نوشته‌های ترکی و ایرانی مجموعه تورفان است که بر پایه الگوی یوست گیپرت^{۷۶} و تاتسوشی تامایی^{۷۷} در رایانیدن قطعه‌های تخاری-چینی در شبکه انجام شده است^{۷۸}. نخست قطعه‌های دوزبانه چینی-اویغوری به شبکه فرستاده شده است و، پس از آن، متن‌های سغدی به خط نستوری، متن‌های سکایی *تُمَشْتُق* و نوشته‌های مانوی به زبان اویغوری. از این رو، همه کارشناسان علاقه‌مند می‌توانند بی‌واسطه به متن‌های تورفانی دست یابند و این احتمال بررسی‌هایی کامل و سودمند را در آینده‌ای نزدیک به ارمغان خواهد آورد. قرار است که، با روش‌های کار رایانه‌ای، رویارویی علمی با گنجینه‌های منحصر به فرد تورفانی بیش از پیش بهبود یابد^{۷۹}.

بدیهی است که کار بر روی متون تورفانی روزی به پایان خواهد رسید. با این همه، می‌توان پنداشت که یافته‌های تازه‌ای در چین، افغانستان، مصر و دیگر جاها مجموعه را

73) Serapion cidonita

74) Yōhannān Dailomāyā

75) Deutschen Forschungsgemeinschaft

76) Jost Gippert

77) Tatsuschi Tamai

۷۸) نشانی اینترنتی: <http://titus.uni-frankfurt.de>

۷۹) الگویی از متن‌های تورفانی در اینترنت: <http://www.bbaw.de/vh/turfan/beispiel.html>، و متون تاکنون انتشار یافته با گذر واژه به‌نشانی [bbaw.de/vh/turfan/digital](http://www.bbaw.de/vh/turfan/digital)، گذر واژه‌ها را AV در اختیار قرار می‌دهد.

در چهارچوب نوینی جای دهد و ناگشوده‌های بسیاری را بگشاید. پس کار با گنج تورفانی هرگز فرجام نخواهد یافت.

شرح نگاره‌ها

نگاره ۱. راه باستانی ابریشم میان چین، هند و اروپا، از ه. هرتل H. HÄRTEL و م. یلدیز M. Yaldiz، در طول راه باستانی ابریشم. هنر آسیای میانه از موزه دولتی برلن غربی، نیویورک ۱۹۸۲.

نگاره ۲. اعضای سومین گروه تورفان‌پژوهی آلمان (۱۹۰۵-۱۹۰۷). در ردیف میانی از چپ به راست:

پورت Pohrt، بارتوس BARTUS، گرون ویدل GRÜNWEDEL و لوکوک LE COQ. از ه. هرتل، م. یلدیز، ← نگاره ۱.

نگاره ۳. مجموعه غارهای تویوق Toyoq (واحه تورفان)، جایی که دیوار نگاره‌ها و نوشته‌ها در آن کشف شد. دومین گروه تورفان‌پژوهی آلمان در آنجا کار می‌کرد (۱۹۰۴-۱۹۰۵)، عکس: زوندرمان SUNDERMANN.

نگاره ۴. ابریشم نگاره‌ای از بُدیسْتَوَه Bodhisatva، با آرایه‌های بسیار؛ بودایی، خوچو q̄čo (واحه تورفان)، قرن نهم و دهم میلادی. دومین گروه تورفان‌پژوهی (۱۹۰۴-۱۹۰۵)؛ موزه هنرهای هندی، برلن. از ه. هرتل، م. یلدیز ← نگاره ۱.

نگاره ۵. متن پیش‌گویی نگاره‌دار فارسی میانه تورفانی، خوچو q̄čo (واحه تورفان)، قرن دهم و یازدهم میلادی. از کشفیات نخستین گروه تورفان‌پژوهی (۱۹۰۲-۱۹۰۳)، انتشار یافته به همت کریستیانه رک Chr. Reck، ورنر زوندرمان W. SUNDERMANN؛ آکادمی علوم برلن-براندنبورگ، ۱۹۹۷.

نگاره ۶. نگاره‌نامه مانوی. جشن آیینی گزیدگان (عید بَما؟)، خوچو (واحه تورفان)، قرن دهم میلادی. نخستین گروه تورفان‌پژوهی (۱۹۰۲-۱۹۰۳)، موزه هنری هند، برلن. از ه. هرتل و م. یلدیز. ← نگاره ۱.

نگاره ۷. M 48، قطعه‌ای پارتی حاصل به‌هم‌چسباندن قطعه مجزای دوبرگی ساخته‌شده با محتوای شرح زندگی قدیسان، درباره سفرهای تبلیغی مانوی، از کشفیات نخستین گروه تورفان‌پژوهی (۱۹۰۲-۱۹۰۳). □